

فریسیان یک گروه مذهبی و سیاسی در میان یهودیان بودند و بر رعایت دقیق قانون موسی بسیار متمرکز بودند. آنها با افرادی که همه قوانین سختگیرانه را رعایت نمی کردند مخلوط نشدند. در برخی از فریسیان تقوا و خلوص ب ظاهری آنها با آنچه در قلبشان بود مطابقت نداشت و بنابراین گاهی اوقات "منافق" نامیده می شدند.

آیات ۱-۶: یک روز سبت عیسی در خانه یک فریسی است که او و دیگران را برای صرف غذا دعوت کرده بود ، و او می داند که او تحت نظر دائمی بود. اگرچه عیسی بزرگترین اختلافات را با فریسیان داشت ، اما باز هم با آنها ارتباط برقرار کرد - نه اینکه یکی از آنها باشد ، بلکه آنها را دوست بدارد و نمونه ای خداگونه به آنها نشان دهد.

همه می دانستند که چه کارهایی در روز سبت مجاز است و چه چیزهایی مجاز نیستند. بسیاری از این قوانین توسط مردم وضع شده و این قوانین به سنتی تبدیل شده بود که باید از آن پیروی می کردند. در حالی که منتظر رسیدن همه میهمانان بود ، مردی را که حال وی خوب نبود قبل از عیسی آوردند. چرا؟ چه کسی مرد بیمار را دعوت می کند؟ آیا این شاید هماهنگ شده باشد؟ به احتمال بسیار زیاد افراد اطراف عیسی می خواستند بدانند که او چه کاری انجام می دهد. آنها در حال تماشای آیا عیسی در روز شنبه شفا می دهد؟ آیا او یکی از قوانین ساخت بشر را نقض خواهد کرد یا خیر؟ شاید میهمانان نوعی اقدام را انتظار داشته باشند. در عوض عیسی از آنها سوالی پرسید که آنها باید پاسخ دهند! چی شد؟ آنها پاسخ ندادند زیرا نتوانستند !! آنها کاملاً فهمیدند که هر پاسخی باعث شرم آوری آنها خواهد شد. با این حال ، عیسی افراد را شرمند نکرد ، او به نحوه نگرش این افراد پرداخت و این کار را با ارائه مثالی از زندگی روزمره به آنها کرد ، چیزی که آنها بلافاصله درک می کنند. عیسی سعی کرد به درون آنها برسد ، بهترین ها را لمس کند و آنها را به چالش بکشد تا به این امر وفادار باشند. هدف او این نبود که مردم را شرمند کند بلکه آنها را نجات داد.

آیات ۷-۱۱: عیسی در حال مشاهده میهمانانی است که در حال رسیدن هستند ، و در حال جستجو برای اینکه کجا بنشینند. او متوجه آنچه برخی انجام دادند ، شد و به میهمانان مثالی گفت ، موقعیتهای واقعی که برای همه آشنا است. او از مثل برای نشان دادن حقیقت خدا استفاده کرد ، به ویژه برای کسانی که آماده شنیدن حقیقت او هستند.

مهمانی عروسی مهمترین مناسبت اجتماعی در زندگی یهودیان بود و در آن زمان، مکانی که می نشستی ، اهمیت تو را در جامعه نشان می داد. همچنین در زندگی روزمره ما موارد بسیاری وجود دارد که می توانیم ایده خود درباره اهمیت و افتخار خود را به نمایش بگذاریم. عیسی به آنها شرمندگی را یادآوری کرد که اغلب با بالا بردن خود همراه است. ما یاد می گیریم که درک کنیم کافی است خداوند ما را مهم ببیند. این مثل باعث می شود که به درون خود نگاه کنیم:

(۱) چرا ما خود را در نزدیکی افراد مهم ، بالای میز قرار می دهیم؟

(۲) چرا خود را در انتهای پایینی سفره عقد قرار می دهیم؟ آیا به این دلیل است که امیدواریم شخصی متوجه ما شده و در موقعیت برجسته تری قرار دهد؟ آیا ما از دیگران بهتر هستیم؟ یا اینکه در انتهای پایین میز با چهره ای بیچاره نشسته ایم که نشان می دهد از جایی که هستیم راضی نیستیم؟ آیا کافی نیست که بدانید خدا مرا / شما را مهم می بیند؟ در این مثل عیسی، یک سبک زندگی بود: فروتنی ذهن (فیلیپیان ۲: ۳)

آیات ۱۲-۱۴: عیسی صحبت خود را با میهمانان به پایان رسانده و اکنون به طور خاص با مردی که او را دعوت کرده صحبت می کند. عیسی دید که میزبانش میهمانانش را از روی غرور ، افرادی از حلقه خودش انتخاب کرده است. میزبان تشویق شد که

نه تنها کسانی را که می‌توانند او را دعوت کنند، دعوت کند. برای ما نیز، آسان است که دوستان خود را به چند نفر راحت و آسان، که نشانه زندگی خودمحور است محدود کنیم. می‌خوانیم که به پیروی از عیسی فرا خوانده شده ایم، و او زندگی دیگران محور را به ما نشان می‌دهد، نوعی زندگی که به زندگی با برکات بیشتری تبدیل می‌شود. (اعمال ۳۵: ۲۰). پیروی از او یک راه یا روش دیگر را برای ما هزینه می‌کند و بازپرداخت خواهیم شد. عیسی به زندگی ابدی اشاره می‌کند وقتی او را به عنوان ناجی خود بپذیریم، که برای ما مرد و زندگی جدیدی به ما داد. بنابراین وقتی از سخاوت خداوند پیروی می‌کنیم، هرگز نمی‌توانیم "بازنده" باشیم. بدون شک سکوت باید دنبال آن باشد..... افرادی که در مورد آنچه عیسی گفته فکر می‌کنند، ممکن است به درون قلب خود نگاه کنند، برخی از اعمال خودخواهانه خود را ببینند، احساس تحقیر یا تحریک یا شاید حتی عصبانیت کنند! یک میهمان، به احتمال زیاد یک فریسی که کتاب مقدس یهود را بسیار خوب می‌دانست، سعی کرد سکوت را بشکند و آیه ای از اشعیا را نقل کرد. (آیه ۱۵) اشعیا در مورد زندگی پس از مرگ بینشی داشت و در آن اشعیا نبی ضیافت بزرگ مسیح را با بسیاری از مردم دید. طبیعتاً مردم در این ضیافت به جامعه یهودی خود فکر می‌کردند. عیسی، با دانستن کامل کتاب مقدس، معنای آیه ۱۵ را توضیح داد و دوباره مثل را به کار برد.

آیات ۱۶-۲۰: در این مثلث در مورد مردی می‌خوانیم که جشن بزرگی برگزار کرده است. او افراد زیادی را دعوت کرد و آنها گفتند که قبول کردند. البته، چه کسی رد خواهد کرد؟ این فقط نوعی از موقعیت بود که مردم از دعوت و حضور در آن هیجان زده می‌شوند. بنابراین در همان روز سرور خدمه را بیرون فرستاد تا بگویند همه چیز آماده است. چی شد؟ دو بهانه اول مربوط به چیزهای مادی بود و وقتی از نزدیک نگاه می‌کنیم، ضعف به نظر می‌رسد زیرا هیچ کس ابتدا قطعه زمین یا حیوانات مزرحه را خریداری نمی‌کند و سپس آنها را بازرسی می‌کند! آنها خواستند که معذور باشند. بدون شک ما خود را می‌بینیم زیرا وقتی چیزی جدید می‌خریم ذهن ما را پر می‌کند. نفر سوم خانواده خود را مقدم بر همه چیز قرار داد. بهترین چیزی که می‌توانیم به خانواده خود نشان دهیم این است که عیسی مسیح اولین شخص در زندگی ما است. آنها در واقع نمی‌خواستند بروند. به همین ترتیب مردم به محبت، هدیه، فضل، بخشش و رحمت خدا دعوت می‌شوند. خداوند همه چیز را آماده کرده است تا انسانها بیایند و از او دریافت کنند. وقتی به خدا، نزد عیسی می‌رسیم، می‌فهمیم که او برای ما آماده و منتظر است.

آیات ۲۱-۲۴: صاحب جشن قطعاً از اوضاع راضی نبود. اگر کسانی که برای اولین بار به این مهمانی دعوت می‌شدند امتناع می‌کردند، ارباب هنوز میهمانی می‌گرفت، زیرا همه چیز آماده بود. ارباب مصمم بود که از آنچه آماده کرده است لذت ببرد. او به خدمه خود دستور داد همه مکا نه‌های سر میز را پر کنند. چه کسی سرانجام آمد؟ اخراجی‌ها، افرادی که میهمانان با آنها اختلاط نمی‌کنند، افرادی که از نظر جسمی، روحی، عاطفی با مشکلات روبرو هستند، در واقع مردم ما را با تفاوت‌های مختلف، از نظر ظاهر، فرهنگ، زبان، زمینه اجتماعی و موارد دیگر دوست دارند. درست مثل میزبانی که خانه‌ای کامل می‌خواست، خدا همه ما را دعوت می‌کند بنابراین خانه‌اش پر است و همه صندلی‌های میز او اشغال شده است. برای شنوندگان اطراف عیسی این یک آموزه بود زیرا آنها خود را سر میز می‌دیدند، بعد از آنها یهودیانی که قوانین را دقیقاً رعایت نمی‌کردند، و اکنون شنیدند که بشارت خدا برای کسانی است که از خارج انجمن آمده‌اند. دعا کنیم که یاد بگیریم در زندگی روزمره خود، در افکار، گفتار و کردار، از ندای خدا گوش فرا دهیم و از او اطاعت کنیم و با هدایت روح القدس، زمانی را برای خواندن و یادگیری از کلام او ایجاد کنیم. آمین